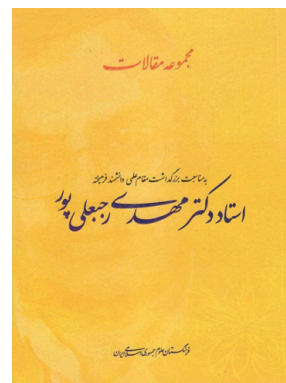


## اخپار و یادداشت‌ها

### گذری و نظری بر یک کتاب

رشید زارع‌نهندي\*



سال ۱۳۹۰ دکتر مهدی رجبعلی‌پور از طرف فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان استاد برگزیده این فرهنگستان انتخاب شد. اوایل ۱۳۹۱ کتابی از طرف فرهنگستان علوم با عنوان زیر انتشار یافت: «مجموعه مقالات به مناسبت بزرگداشت مقام علمی دانشمند فرهیخته استاد دکتر مهدی رجبعلی‌پور» این کتاب زیر نظر دکتر رضا داوری‌اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، در ۴۰۸ صفحه به علاوه ۱۴ صفحه عکس در ۵۰۰ نسخه و با کیفیت نسبتاً خوبی تهیه و چاپ شده است. کتاب به صورت مقالاتی است که عموماً از طرف اعضای فرهنگستان دربارهٔ با دکتر رجبعلی‌پور نوشته شده و یا به ایشان اهدا شده است. در این نوشتار مروری داریم بر این کتاب.

«نخستین دوره کارشناسی ارشد ریاضی به سبک جدید در مهر ۱۳۴۵ در دانشگاه شیراز تشکیل شد. دانشجویان این دوره که با امتحان شفاهی و مصاحبه انتخاب شده بودند عبارت بودند از: فخرالدین آیت‌اله‌زاده شیرازی، علی‌اکبر جعفریان، هادی خرقانی، مهدی رجبعلی‌پور، هایک گریگوریان، سیدعبداللله محمودیان و ابوالقاسم میامی». این سطرها از چند خاطره دکتر مهدی بهزاد نقل شده است که در آن زمان به‌عنوان استادی جوان در دانشگاه شیراز تدریس می‌کرد. ایشان خاطرات جالبی در این نوشته ذکر کرده‌اند.

«در محضر استاد» نوشته‌ای است که دکتر عباس سالمی به رسم قدردانی از استاد خویش نوشته است. وی در بیان یکی از خاطراتش از زمانی که دانشجوی دکتری بوده و به همراه هم دوره‌اش دکتر محمدعلی دهقان به شهر تریسته ایتالیا سفر کرده بودند و دکتر رجبعلی‌پور پیش از آن‌ها در آن‌جا بود، چنین نوشته است: «پس از ورود ما به شهر به همراه دکتر [رجبعلی‌پور] به هتل رفتیم. پس از ورود به هتل، دکتر به‌مسئول مربوطه به زبان فارسی گفتند یک اتاق

دو تخته برای این دو نفر می‌خواهم. با کمال تعجب دیدم که مسئول هتل رفت و دو کارت آورد که ما آن‌ها را تکمیل کنیم. از دکتر سؤال کردم که آیا ایشان فارسی می‌دانند؟ دکتر گفت: نه! گفتیم پس چرا فارسی صحبت کردید؟ دکتر گفت: ایشان انگلیسی هم نمی‌دانند، پس من راحت‌تر هستم با ایشان فارسی صحبت کنم!!» (ص ۲۳)

دکتر زهرا گویا فضیلت‌های دکتر رجبعلی‌پور را با موارد کتاب «رساله‌ای کوچک در باب فضیلت‌های بزرگ» نوشته کنت - اسپونیل، مقایسه کرده و دکتر محمدصالح مصلحیان به آمار مقالات دکتر رجبعلی‌پور از نظر کمی و کیفی پرداخته است. دکتر سعید اعظم نیز به‌عنوان شاهدی بر توانایی ریاضی دکتر رجبعلی‌پور، متن یکی از مرورها به یک مقاله وی در متمتیکال ریویوز را آورده است. در این متن آمده است که مقاله رجبعلی‌پور مساله‌ای با قدمت طولانی در تجزیه‌پذیری عملگرها را با روشی هوشمندانه حل کرده است.

دکتر محمود محسنی‌مقدم و دکتر محمدرضا فدایی دین رفاقت و شاگردی خود به دکتر رجبعلی‌پور را با ارائه متن‌هایی آراسته به اشعار ادا کرده‌اند. دومی از دکتر رجبعلی‌پور و همسرشان شادروان بتول باقری به‌عنوان پدر و مادر خانه ریاضیات کرمان یاد کرده است.

تعدادی مقاله ریاضی جالب هم هست که به نحوی با دکتر رجبعلی‌پور ارتباط دارند و به ایشان اهدا شده‌اند. این مقاله‌ها عبارتند از:

- همگانی کردن ریاضی! چرا و چگونه؟، دکتر بیژن ظهوری‌زنگنه، دکتر زهرا گویا.
- ارتباط آموزش ریاضی و تربیت شهروندی، دکتر ابوالفضل رفیع‌پور.
- تحولات هندسه آفین در دهه اخیر، دکتر مگردیچ تومانیان.
- ریاضیات توموگرافی در پزشکی، دکتر علی‌اکبر جعفریان.
- مروری بر مثلثی‌سازی هم‌زمان در ابعاد متناهی، دکتر بامداد یاحقی.

تعداد ۱۳ مقاله دیگر در زمینه‌های مختلف از گلاب‌گیری گرفته تا تغییرات اقلیم در این کتاب وجود دارند که از طرف افراد سرشناس جامعه علمی نوشته شده‌اند. دو مقاله هم از خود دکتر رجبعلی‌پور (یکی مشترک با دکتر سالمی) زینت‌بخش کتاب هستند. در مقاله «عدد و جنگ هفتاد و دو ملت» که همانند خود استاد دلپذیر است، داستان عدد در سیر تاریخ بررسی شده است. نویسنده در اول متن چنین نگاه‌اشته است: «همه به من هدیه کردند و من به همسرم بتول باقری که مرا در بیست و پنج سالگی از مادرم تحویل گرفت» استاد در این نوشتار به تأثیر نحوه عددنویسی در رشد ریاضیات می‌پردازد و یکی از مهم‌ترین خدمات دانشمندان دوران طلایی تمدن اسلامی را

بکوشند به دانشگاه‌ها و دانشکده‌های صنعتی و فنی و پزشکی بروند و اگر نتوانستند چندان تفاوت نمی‌کند که در کجا و در چه رشته‌ای درس بخوانند.“ (ص ۱۳)

\* دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان

## برنده جایزه آبل سال ۲۰۱۴



جایزه آبل امسال (۲۰۱۴) به یک ریاضی‌دان روسی "پروفسور یاکوف ج. سینای" (Yakov G. Sinai) استاد دانشگاه پرینستون آمریکا، مؤسسه تحقیقاتی فیزیک لاندن و آکادمی علوم روسیه تعلق گرفت. این جایزه به خاطر کارهای اساسی او در سیستم‌های دینامیکی، نظریه ارگودیک و ریاضی فیزیک به ایشان تعلق گرفت. سینای متولد ۲۱ سپتامبر ۱۹۳۵ در مسکو روسیه است. در نیم قرن گذشته، سینای بالغ بر ۲۵۰ مقاله و چند کتاب تألیف نموده است. او تاکنون استاد راهنمای بیش از ۵۰ دانشجوی دکتری بوده است. او برنده بسیاری از جوایز معتبر بین‌المللی می‌باشد.

سینای، تأثیر زیادی بر ارتباط بین دنیای سیستم‌های دینامیکی و دنیای سیستم‌های آماری داشته است. جایزه آبل از طرف آکادمی علوم نروژ اهدا می‌شود و به کسانی تعلق می‌گیرد که کارهای ژرف و قابل تأثیری در علوم ریاضی انجام داده‌اند. این جایزه از سال ۲۰۰۳ به بعد داده شده است و برابر با پول نقد به ارزش حدود ۸۰۰ هزار یورو و با یک میلیون دلار آمریکا می‌باشد یادآوری می‌شود که سال قبل، پیر دلین (Pierre Deligne) استاد بازنشسته مدرسه ریاضیات مؤسسه مطالعات پیشرفته در پرینستون، به خاطر تحقیقات اساسی در هندسه جبری و تأثیر بسیار آن‌ها در نظریه اعداد، نظریه نمایش و دیگر حوزه‌ها برنده جایزه آبل در سال ۲۰۱۳ شد. . برای اطلاعات بیشتر در مورد برنده امسال جایزه آبل به صفحه ۱۰ خبرنامه انجمن ریاضی لندن، شماره ۴۳۶، می ۲۰۱۴ و لینک زیر مراجعه فرمایید.

[www.abelprize.no/c61094/binfil/download.php?tid=61120](http://www.abelprize.no/c61094/binfil/download.php?tid=61120)

سعید علیخانی

دانشگاه یزد

آوردن ارقام هندی و تکمیل آن دانسته است. در این متن تعریفی از سقراط شده که در وصف خود دکتر رجبعلی پور هم می‌تواند باشد: "سقراط با هیچ فرد خاصی حتی دشمنان خودش هم منازعه‌ای نداشت؛ می‌گفت هیچ‌کس نمی‌خواهد بد باشد و این نادانی است که انسان را به کار بد وادار می‌کند. لذا فقط با نفس خرافات سر جنگ داشت و از کسی کینه به دل نمی‌گرفت؛ آن‌قدر خوب بود که مسلمانان حیفشان آمد که او را از عالم وحی جدا بدانند و ادریس نبی را استاد او خواندند. به پیوستگی و گسستگی دنیا کاری نداشت؛ نگران جزمی بودن یا نبودن امور نبود؛ برای این‌که خیال مدعی را آسوده سازد، در همان اول بحث اقرار می‌کرد که دانشش محدود است، هر چه بیشتر مطالعه می‌کند دریای جهالت خود را عمیق‌تر می‌بیند و فقط تشنه دانایی‌های بی‌پرده و آشکار است." (ص ۳۵۸)

مقاله دیگر "جبرخطی در ایران" است که مروری دارد بر فعالیت‌ها و مقالاتی که در این زمینه در ایران انجام شده و به چاپ رسیده است. آخر کتاب مزین به ۱۷ عکس خاطره‌انگیز است که از جشن دانش‌آموختگی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵ و سربازی در پادگان فرح آباد تهران شروع شده و به تصویر استاد در سال ۱۳۹۰ خاتمه یافته است.

غایب بزرگ این کتاب دکتر حیدر رجوی است که نقش بزرگی در زندگی علمی دکتر رجبعلی پور داشته است. احتمالاً تماسی با ایشان گرفته نشده است زیرا بعید است که ایشان با آن قلم شیوا و آن حسی که نسبت به دکتر رجبعلی پور دارد، مطلبی در این مورد ننویسد.

در پایان، کمی به "آغاز سخن" کتاب می‌پردازیم که در آن دکتر رضا داوری اردکانی به عنوان یک فیلسوف نگاهی منتقدانه به نحوه رشد علوم در کشورهای جهان سوم، یا به زبان مؤدبانه‌تر کشورهای در حال توسعه، انداخته است: "یکی از گرفتاری‌های جهان توسعه نیافته این است که رشد سازمان یافته نداشته و می‌خواسته است پازلی را که طرح و زمینه‌اش هم معلوم نیست، از روی گرده اروپا و آمریکا و به‌طور کلی از روی طرح جهان توسعه یافته بسازد. در طی چهارصد سال یک نظم علمی و مدنی در اروپا به وجود آمده است و جهان توسعه نیافته از ده‌ها سال پیش می‌خواسته است از روی همان نظم با مصالحی که در اختیار داشته، خود آن را بسازد... ما رشد سازمان یافته نکرده‌ایم و حتی به ساختار جامعه توسعه یافته نیاندیشیده‌ایم، بلکه خود ساختاری را در نظر خیال آورده‌ایم و خواستیم آن سازواره ناساز را بسازیم و محقق کنیم." (صفحه ۱۲ و ۱۳)

دکتر داوری اردکانی یکی از مشکلات جامعه ما را دخالت افرادی بی‌خبر از علم و شأن آن، در هرم علمی و سلسله مراتب آن می‌داند. به عنوان مثالی، آورده‌اند: "در ترتیب کنونی دو اصل وجود دارد، یکی این‌که همه باید به دانشگاه بروند و دبیرستان چیزی نیست جز دالانی که باید به دانشگاه برسد. اصل دوم این است که محصلان

## یک پیشنهاد برای بازنگری در سیستم نمره‌دهی

احمد صفاپور\*

اغلب ما پس از برگزاری آزمون‌های پایانی نیم‌سال تحصیلی و اعلام نمرات دانشجویان از سوی دانشجویانی که نمره‌ی قبولی کسب نکرده‌اند با درخواست‌های این‌چنینی مواجه می‌شویم:

”استاد اگر ممکنه لطفاً به من ۹/۹۹۹ بدهید که مشروط نشوم“، ”من که در هر صورت این درس رو می‌افتم. برای شما چه فرقی می‌کنه که من با ۲ بیفتم یا با ۹. لطفاً نمره‌ی بالاتری به من بدین که حداقل معدلیم خراب نشه“. عده‌ای از همکاران نیز چنین استدلال‌هایی را قبول داشته و اگر لیست نمرات ایشان را نگاه کنیم نمره‌ای پایین‌تر از ۹ در لیست آن‌ها مشاهده نمی‌شود. در پایان سال تحصیلی گذشته (تیرماه ۹۲) در گروه ریاضی دانشگاه ولی‌عصر(عج)، طی جلساتی چند موضوع آموزشی از جمله موضوع ارفاق به دانشجویان و نحوه برخورد با درخواست‌هایی مانند آن‌چه در بالا آمد به بحث گذاشته شد و همکاران مخالف و موافق دیدگاه‌های خود را بیان کردند. البته از آن‌جا که طبق آئین‌نامه‌های آموزشی تنها مرجع ارزشیابی دانشجو و اعلام نمره‌ی وی، استاد درس است به‌منظور جلوگیری از ورود به حریم قانونی استاد، در این مورد هیچ‌گونه جمع‌بندی مصوبه‌ای در گروه انجام نشد. هدف از آن مباحث تنها طرح دیدگاه‌های همکاران و نقد و بررسی آن‌ها بود. در این نوشتار قصد دارم نقطه نظرانی را که به‌عنوان مخالف چنین ارفاق‌هایی در آن جلسه مطرح نمودم ذکر کنم و در پایان نیز پیشنهادی جهت اصلاح سیستم نمره‌دهی مطرح می‌کنم.

فرض کنید دو دانشجو داریم که هر کدام سه درس مشابه هم دارند. یکی از این دو، در هر سه درس نمره ۱۱ می‌گیرد و دیگری در یکی از این سه درس نمره‌ی ۱۸ می‌گیرد و در دو درس دیگر نمره‌ی ۲. اگر این استدلال را بپذیریم که دانشجوی مردود شده چه با نمره‌ی ۲ و چه با نمره‌ی ۹، در هر حال مردود محسوب می‌شود و به استناد همین استدلال در دو درس دیگر نمره‌ی ۹ به او داده شود، در این صورت معدل دانشجوی اول ۱۱ و معدل دانشجوی دوم ۱۲ می‌شود. یعنی اولین دانشجو با نمره‌های واقعی خودش که در هر سه درس هم موفق شده نمره قبولی بگیرد مشروط می‌شود ولی دومی با ارفاق‌های انجام شده مشروط نخواهد شد! ضمن این‌که با ادامه چنین روندی در طول دوره تحصیلی، چه بسا دانشجویی از نوع دوم به دلیل معدل بالاتری که نسبت به دانشجویی از نوع اول کسب می‌کند، به‌عنوان استعداد درخشان وارد دوره کارشناسی ارشد شود اما دانشجوی اول از چنین امتیازی محروم شود. البته اگر همکارانی که نمره ۴ را به دلایل انسان‌دوستانه و از سر دلسوزی به ۸ یا ۹ تبدیل می‌کنند حاضر بودند به دانشجویی هم که نمره واقعی‌اش ۱۴ است، نمره ۱۸ یا ۱۹ بدهند باز شاید چندان جای اشکال نبود چون در هر صورت همان اختلاف و فاصله بین هر دو نمره حفظ می‌شد ولی بعید می‌دانم که بین همکاران دانشگاهی کسی حاضر باشد نمره ۱۴ را به نمره ۱۹ یا حتی ۱۸ ارتقا دهد در حالی که اغلب ما

مطمئن هستیم فراوانند همکارانی که با پذیرفتن استدلال‌هایی از نوع بالا، نمره ۴ را به ۹ (یا حداقل ۸) ارتقا می‌دهند. با توجه به نمونه فرضی بالا، این‌گونه ارفاق‌ها ظلم به دانشجویانی است که ”عاقبت کار از کاشته‌های خود درو می‌کنند“، هر چند حاصل این درو چندان چشمگیر نباشد.

دوستانی که با سیستم نمره‌دهی غالب در کشورهای خارجی آشنا هستند می‌دانند که در این سیستم‌ها برای ارزشیابی دانشجویان پنج نمره یا درجه در نظر گرفته می‌شود. اگر نمره خام بر مبنای ۵ تا ۱۰۰ محاسبه شود، به نمرات ۹۰ و بالاتر درجه‌ی A تعلق می‌گیرد که دارای ارزش ۴ است، به نمرات ۸۹ - ۸۰ درجه B، ۷۹ - ۷۰ درجه C، ۶۹ - ۶۰ درجه D و به نمرات کمتر از ۶۰ درجه F تعلق می‌گیرد که به ترتیب دارای ارزش‌های ۳، ۲، ۱، ۰ هستند. این سیستم ارزش‌گذاری قبل از انقلاب نیز در بسیاری از دانشگاه‌های ایران رایج بود. دانشگاه‌هایی مانند شیراز و صنعتی شریف دقیقاً به همین شکل عمل می‌کردند و دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه تهران نیز سیستمی معادل همین روش البته بر اساس درجه‌های الف، ب، ج، د و ه را اعمال می‌کردند. در چنین سیستمی دانشجوی مردود یک نمره بیشتر ندارد و آن هم ۰ است. نمره‌ی ۱ نمره مشروطی است و نمرات از ۲ به بالا بدون اشکال هستند.

در این روش ارزشیابی، دیگر چانه‌زنی‌هایی از نوع آن‌چه گفته شد محلی از اعراب ندارد. هم‌چنین به‌نظر می‌رسد چنین سیستمی بیشتر به عدالت نزدیک است چون جدای از موارد ذکر شده در بالا، می‌توان به اشکالات دیگری هم در روش نمره‌دهی فعلی اشاره کرد. به عنوان نمونه، چه کسی می‌تواند مطمئن باشد که بین دو دانشجو که یکی نمره ۱۷ گرفته است و دیگری ۱۷/۲، یعنی نمرات ۸۵ و ۸۶ در سیستم ۰ تا ۱۰۰ تفاوت معناداری وجود دارد؟ در حالی که چه بسا همین ۰/۲ اختلاف نمره باعث تأثیرات متفاوتی در زندگی (یا حداقل مسیر تحصیلی) این دو شود. پس چه بهتر که این دو در یک طبقه دسته‌بندی شوند و هر دو با ارزش ۳ (یا همان B) ارزشیابی شوند.

با توجه به مطالب فوق، شاید بهتر باشد برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران نظام آموزشی در سطح کلان، در روش ارزشیابی و نمره‌دهی جاری نوعی بازنگری انجام دهند تا شاید از این طریق نتایج عادلانه‌تری به‌دست آید، البته به شرط آن‌که این بازنگری مبتنی بر انجام مطالعات کافی و در نظر گرفتن همه‌ی جوانب مثبت و منفی چنین امری باشد. در این راه انجمن‌های علمی هم می‌توانند با انجام ارزیابی‌های میدانی در حوزه تخصصی خود، نتایج به دست آمده را جهت اتخاذ تصمیم مناسب در اختیار مقامات ذیربط قرار دهند و با توجه به میزان بالای مردودی در درس ریاضی اعم از دروس سرویسی یا تخصصی، انجمن ریاضی ایران می‌تواند از پیشگامان چنین فعالیتی باشد.

\* دانشگاه ولی‌عصر رفسنجان (عج)

نگشته‌اند... خواهشمند است ترتیبی دهید که این نامه به نحوی مناسب و مقتضی، فرصت تجدید نظرهایی جدی و اصولی را در چارچوب‌های نظری، نظام تصمیم‌گیری، ترکیب جمعیتی و پاسخگویی کمیته محترم برنامه‌ریزی علوم ریاضی فراهم آورد و از پاسخی متناسب شأن و قدر این جمع هم بی‌بهره نماند.

پس از ارسال نامه، خیلی از همکاران امضاکننده به علاوه خود من گمان می‌کردیم (نه از روی منطق عملی و ارسطویی!) که اولین مواجهه کمیته برنامه‌ریزی حتماً دعوت از برجستگان این جمعیت منتقد برای بحث و گفتگوی رو در رو و رسیدن به نقطه‌هایی از یک تفاهم و تشریح مساعی خواهد بود. من حتی گمان داشتم که وزن و سابقه برخی از این افراد منتقد چنان است که هرگاه یکی از ایشان هم به تنهایی منتقد باشند برعهده اخلاق و اعتماد به نفس کمیته خواهد بود که از باب احترام به تجربه و پیشکسوتی، با ایشان از در گفتگو و احترام و استماع در آید و رأی و نظرشان را با حوصله و صبوری بشنوند و حمایتشان را به طریقی جلب نمایند تا به غیر از ابلاغ تند و تیز برنامه، قدری هم بلاغت آرام اخلاق کرده باشند! با کمال ناپاوری پس از مدتی، نوشته‌ای از جانب دکتر پارسیان در خبرنامه شماره ۱۳۸ به عنوان پاسخ منتقدین معدود و رهگذر چاپ گردید! در این پاسخ با ارجاع مکرر به متن برنامه مصوب، همان مواضع قبلی کمیته تکرار و بسیاری از نکته‌ها و نگرانی‌های طرح شده در عریضه مسکوت گذارده شد. دو بار مراجعه مستقیم اینجانب به مدیر کل محترم وزارت، آقای دکتر نوه ابراهیم، برای توجه و پیگیری مستقیم و مؤثر ایشان نسبت به موضوع، به این دلیل قاطع ساده که آن عریضه جمعی و دانشگاهی است نه فردی و شخصی، تنها با پاسخ‌های کلی و اداری ایشان دایره‌بر پیگیری امر مواجه گشت و اتفاقی نیفتاد.

حال شاید بد نباشد که مستقل از محتوا و مضمون متن این دو نوشته منتقدین و پاسخ کمیته، اصولاً معنی تهیه و ارسال چنین عریضه‌ای یا چنین جمع‌پشتیبان مصممی جستجو شود؟ بد نیست که کمیته محترم، نخست در صدد تفسیر موجهی از این جنبه‌ی ماجرا برآید. یک پرسش راهنما این است که آیا برای اعضای کمیته برنامه‌ریزی علوم ریاضی صرف صدور احکامی از طرف مدیرکل مربوطه برای عضویت در این نهاد کافی است یا اعضا، خود به پشتوانه اعتبار و مشروعیت علمی متکی به آراء جامعه دانشگاهی مرتبط هم اهمیت می‌دهند؟ آیا حداقل تفسیر تقدیم این نامه، نوعی استیضاح محترمانه برای کارنامه چند سال اخیر این کمیته نیست؟ و اگر از این مرحله استیضاح بگذریم آیا کمیته محترم هیچ نگران رأی اعتماد جامعه علمی نیستند. پس آیا رجوع مجددی به انتقادهای متعدد عمومی و یا انتشار یافته در خبرنامه انجمن برای تجدیدنظر مناسبی پس از گذشت چهار سال از یک تجربه ناموفق درخواست نابجایی است؟

\* دانشگاه زنجان

## پس از چهار سال؟

مسعود آربین‌نژاد\*

به‌عنوان یکی از افرادی که خیلی از همکاران، سرنوشت ارسال، پیگیری و رسیدگی به عریضه‌ی جمعی انتقاد از برنامه آموزشی ریاضیات و کاربردها، خطاب به کمیته برنامه‌ریزی علوم ریاضی<sup>۱۲</sup> را از من جویا می‌شوند و امضاکنندگان هم جمعیتی پرتعداد و چشم‌پوشی ناپذیر هستند بی‌راه نیست که گزارش اجمالی آن‌چه بر سر آن عریضه‌ی مظلوم تا به حال رفته در خبرنامه بیاید. ماجرا از آن‌جا آغاز شد که اعضای کمیته در مواجهه با انتقادهای معمولاً اظهار می‌داشتند که منتقدین فقط چند نفرند و مقبولیت و استقبال از برنامه در دانشگاه‌ها خیلی زیاد است. حال آن‌که واقعاً چنین نبود اما این گمان، سند و مدرک همه فهم و تردید ناپذیری می‌خواست. در یکی از گردهمایی‌ها یکی از همکاران پیشنهاد کرد این ادعا به طریقی به آزمون درآید تا تکلیف روشن شود یعنی اگر حق با فرضیه‌ی کمیته بود این چند نفر منتقد معدود هم سر به زیر و تسلیم شوند و پی کار خود بروند تا دنیا از این که هست هم بهتر شود و اگر چنین نبود ببینیم که پس از آن چه می‌گویند. با این مقدمه و ذهنیت، در طی تابستان ۹۲ به اتفاق سه نفر از همکاران از سه دانشگاه متفاوت، خلاصه‌ای از انتقادهای مطرح عمومی و به تکرار گفته شده درباره برنامه ریاضیات و کاربردها را در طی عریضه‌ای خطاب به کمیته علوم ریاضی تنظیم کردیم و به‌طور کاملاً جسته گریخته‌ای و غالباً از طریق همین رایانامه‌ی رام شده عصر نوین! برای تعدادی از همکاران منتقد برنامه در چند دانشگاه ارسال کردیم. اما خوشبختانه متن نوشته شده بدون هیچ مدیریتی، در خیلی از دانشگاه‌ها چرخید و تا تاریخ ۹۲/۱۰/۸ یکصد و شصت و دو نفر از ۲۱ دانشگاه پای آن را امضا کردند. خیلی‌ها هم، به رغم انتقاد جدی از برنامه، بنا بر ملاحظات و احتیاط‌های متنوع رایجی، به‌ویژه به وقت امضای یک عریضه انتقادی، آن را امضا نکردند که کمابیش قابل فهم است به‌علاوه خیلی‌ها هم از وجود چنین نامه‌ای بی‌خبر ماندند. این عریضه همراه با این تعداد امضا در دی‌ماه ۹۲ به پیوست سرنامه‌ای خطاب به مدیر کل دفتر پشتیبانی و حمایت آموزش عالی که کمیته برنامه‌ریزی علوم ریاضی را در بر دارد به این مقصد ارسال گشت. در سرنامه یادشده خطاب به مدیر کل چنین آمد: "... امضاکنندگان این نامه تنها بخش کوچکی از جمعیت گسترده منتقدینی از جامعه ریاضی کشور هستند که قریب سه سال است به شیوه‌های دانشگاهی مختلفی مانند انتشار نقدهای تحلیلی مکتوب، اظهار نظر در میزگردهای دانشگاهی و نیز در ضمن گفتگوهای درونی جامعه علمی انتقادهای متنوع خود را نسبت به این برنامه ابراز نموده‌اند اما هیچ‌گاه با اعتنا و واکنش درخور و موجهی از جانب کمیته محترم برنامه‌ریزی علوم ریاضی مواجه

## یادنامه شادروان دکتر علینقی زند استاد پیشکسوت دانشگاه تهران (۱۳۹۳-۱۳۱۴)



سابق الی کارتاز بود، به خاطر کارهای ارزنده‌اش در هندسه دیفرانسیل شهرت داشت، در آن زمان به نظریه رسته‌ها روی آورده بود، دکترزند هم رساله خود را در همین زمینه نوشت و در سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۷ میلادی) از آن دفاع کرد. موضوع رساله وی «رسته‌های پیش‌جمعی» (Sur les catégories pre-aditives) بود.

دکترزند در سال ۱۳۴۷ به کشور بازگشت و کار خود را در گروه ریاضی دانشکده علوم دانشگاه تهران به عنوان استادیار ادامه داد. از آن زمان دکترزند با همکاری چند تن از اعضای هیأت علمی گروه ریاضی، که اغلب تحصیل کرده‌ی فرانسه بودند، از پیشروان نهضت به‌روزرسانی برنامه‌های درسی ریاضی دانشگاه‌های کشور شد و تلاش‌های ارزنده‌ای در راستای تغییر برنامه‌های درسی دوره لیسانس ریاضی دانشگاه تهران و تنظیم برنامه درسی مطابق با دانشگاه‌های پیشرفته دنیا به انجام رساند. از فعالیت‌های ارزشمند وی و همکارانش در این مورد، ترجمه‌ی کتاب‌هایی از پروفیسور ژاک دیکسمیه برای دوره لیسانس ریاضی بود که تحت عنوان‌های کتاب اول، جبر، جلد اول و دوم (۱۳۴۹، ۱۳۵۰) کتاب دوم، آنالیز، جلد اول (۱۳۴۹) و توپولوژی عمومی (۱۳۷۶) توسط انتشارات دانشگاه تهران منتشر شد. دکترزند هم‌چنین با تیمی از ریاضی‌دانان کشور برای تجدیدنظر در برنامه ریاضی دوره‌ی دبیرستان همکاری کرد. او در سال ۱۳۵۶ برای گذراندن فرصت مطالعاتی به دانشگاه ادینبوروی انگلستان رفت و کاری تحقیقاتی روی  $\text{near rings}$  انجام داد.

دکترزند طیف وسیعی از درس‌های دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد ریاضی را در دانشگاه تهران تدریس کرد که دروس جبر، جبرخطی، نظریه گالوا، آنالیز و توپولوژی از آن جمله‌اند. او در ایجاد جوی علمی و پویا در گروه ریاضی دانشگاه تهران نقش به‌سزایی داشت. دکترزند ریاضی‌دانی خلاق، معلمی فداکار و شخصیتی ممتاز بود. در واقع وی فرد شاخص دانشگاه تهران در معرفی جبر مدرن بوده است. دکترزند در امور اجرایی دانشگاه و مشارکت در شوراهای نیز فعال بود و دوره‌ای معاون گروه ریاضی و مدتی معاونت دانشکده علوم دانشگاه تهران را بر عهده داشت.

دکترزند در سال ۱۳۷۳ بازنشسته شد، لیکن کار تدریس و راهنمایی دانشجویان را در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز ادامه داد و در کارهای فرهنگی فعال بود. انجمن ریاضی ایران در سال ۱۳۷۹ از آقای دکترزند به‌عنوان استاد پیشکسوت تجلیل به عمل آورد. دکترزند روز دوم فروردین ماه ۱۳۹۳ پس از یک‌سال بیماری بدرود حیات گفت و همسر شریف‌اش خانم دریانی، فرزندان دکتر امیرقاسم زند، دکتر بهراد زند، دکتر کتابون زند را داغدار نمود و دوستان و همکاران وی از داشتن یاری ارزشمند و راهنمایی دلسوز محروم شدند. روانش شاد باد.

رحیم زارع‌نهندي  
دانشگاه تهران

انجمن ریاضی ایران درگذشت شادروان دکتر علی‌نقی زند استاد پیشکسوت دانشگاه تهران را به جامعه ریاضی کشور، همکاران دانشکده ریاضی آن دانشگاه، دانشجویان و بالاخص خانواده محترم آن مرحوم تسلیت عرض می‌نماید. دکترزند بیش از ۶۰ سال از عمر شریف خود را صرف تعلم و تعلیم علم ریاضی و پرورش فرزندان این مرزوبوم کرد و هم‌اکنون تعداد زیادی از دانشجویان آن مرحوم به‌عنوان محققین و استادان برجسته کشور در حال فعالیت می‌باشند. هم‌چنین آثار ارزنده‌ای از فعالیت‌های ایشان به‌عنوان کتاب و مقاله باقی‌مانده است که مورد استفاده پژوهشگران قرار می‌گیرد. از خداوند متعال طلب مغفرت برای آن استاد فرزانه و صبر و شکیبایی برای بازماندگان تمنا می‌کنیم. روحش شاد و یادش گرامی باد.

شورای اجرایی انجمن ریاضی ایران



### فرازهایی از زندگینامه علمی

علینقی زند در ۱۳ اسفندماه سال ۱۳۱۴ در شهر خوی واقع در آذربایجان شرقی متولد شد. تحصیلات خود را تا سال قبل از دیپلم در دبیرستان خسروی خوی گذراند و در سال ۱۳۳۴ از دبیرستان مروی تهران دیپلم متوسطه دریافت کرد. در سال ۱۳۳۵ در دوره لیسانس ریاضی دانشکده علوم دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۸ با احراز رتبه اول دانش‌آموخته گردید و بی‌درنگ به‌عنوان دبیر آقای دکتر اسداله آل‌بویه استاد این دانشکده استخدام شد. علینقی زند در سال ۱۳۴۲ برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن پاریس، تحت نظر پروفیسور شارل ارسمن کار کرد. هر چند پروفیسور ارسمن، که از شاگردان

## یکسال در فرصت مطالعاتی

با وجود این که در سال های ۵۲ - ۱۳۴۸ دانشجوی کارشناسی مرحوم دکتر زند بودم ولی یک بار دیگر در سال ۱۳۵۵ ایشان را در دانشگاه ادینبورو اسکاتلند ملاقات کردم. ایشان برای فرصت مطالعاتی در این دانشگاه حضور داشت و تحقیقاتی در زمینه near ring and field که ارتباط مستقیم با هندسه تصویری داشت انجام داد.

محمدرضا درفشه  
دانشگاه تهران

★ ★ ★

## دیروز و امروز نظریه رسته ها

چقدر می بایست نظریه ی رسته ها را جدی گرفت؟ از نخستین روزهای پیدایش این نظریه تا به امروز، این پرسش اذهان بسیاری از افراد جامعه ی ریاضی را در سطوح مختلفی به خود مشغول کرده است. پاسخ های متعدد و متنوع به این پرسش طیف وسیعی تشکیل می دهند: برای عده ای نظریه رسته ها چیزی نیست مگر یک بازی بی معنی با حروف و پیکان ها، و از سوی دیگر، از انواع گوناگون میان روی که بگذریم، در نظر گروهی دیگر داشتن تفکر رسته ای یگانه راه ورود به ریاضیات امروزی است. دکتر علی نقی زند نیز در روزگاری رساله دکتری خود را با موضوع رسته های پیش - جمعی تدوین کرد که بحث و جدل بر سر جایگاه نظریه ی رسته ها چندان قدیمی نشده بود.

سیامک یاسمی  
دانشگاه تهران

★ ★ ★

## دیر هنگام

همیشه با لبخند ملایمش، لهجه گرم غریبش و صدق و سلامت و سادگی صمیمی کلامش استقبال یا بدرقه امان می کرد و همین به تنهایی، سرمایه معنوی گرانبه ای برای او بود. دکتر زند استاد زحمت کش و موظف و مقیدی به آداب و تکالیف فرهیخته معلمی بود.

با او از تابستان ۱۳۶۳ آشنا شدم وقتی که در ترم تابستانی دانشگاه شهید بهشتی درس جبر خطی داشتم و او مدرس مدعو این درس بود. کتاب مورد انتخاب درس، جبر خطی هافمن - کنزی بود و البته این کتاب نسبتاً سنگینی در جبر خطی است. دکتر اما نه در اجرای دقیق ساعات برنامه قصوری می کرد (با این که درس تابستانی بود) و نه در تدریس پر و پیمان پیش برنده و مقیدش به متن کتاب. در عین سرحالی و با تبسم شیرین و پایداری به موقع به کلاس می آمد، راحت و سبک بال و پر انرژی درس می داد

و از تمام وقت کلاس بهره می برد. همین رفتارها بود که من را آن سال شیفته متن شسته رفته این کتاب خوب کلاسیک کرد. ما بخش های متعددی از کتاب را با جدیت و بدون ملاحظه قصورهای رایج دروس تابستانی درست مثل یک ترم پاییزی خواندیم. یک سال بعد و در اولین دوره فوق لیسانس دانشگاه تهران در همان ترم اول باز درس دیگری با او داشتم: جبر جابجایی و این بار هم کتاب بسیار خوب اتیه - مک دو نالد به عنوان متن درس. احتمالاً وی اولین یا یکی از اولین مدرسین جبر جابجایی در کشور و از روی یک متن قوی کلاسیک و شناخته شده بود. برگزاری چنین درسی معمولاً بدون پیشینه تجربه و سابقه محیطی با مشکلات عدیده ای مواجه می بود اما انصافاً دکتر زند بسیار خوب و آبرومندانه از عهده برگزاری این درس برآمد واقعاً برای برگزاری خوب و سزاوار درس زحمت زیادی می کشید و همین باعث شد که یک بار دیگر با یک کتاب کلاسیک خوب و عمیق آشنا و مانوس شوم. در آن سال ها به عنوان معلم حل تمرین چند درس دوره ی کارشناسی در خدمت او بودم و از حسن اعتماد شخصیت احترام آمیز و مسئولیت گذار وی به خوبی بهره بردم و فرصتی برای بزرگ تر شدن پیدا کردم. خدایش بیامرز. یاد این تجربه ها در محضر ساده و صمیمی او همیشه برای من عزیزند. دکتر زند خوی آرام و ملایمی داشت و به سادگی می شد با او صحبت کرد و حتی انتظار همدمی و همدردی داشت. او دوست داشتنی بود و دوست داشتنی بودن برای یک معلم همیشه یک موهبت بی جایگزین است. من احترام عمیقی برایش قائل بودم و قدر همه این خوبی های معمولی بی اغراقش را می دانستم و ای کاش فرصت ابراز آن را یک بار بیش از اذ دست دادنش می یافتم. از این اقرار و قدرشناسی دیر هنگام شرمندم.

مسعود آربین نژاد  
دانشگاه زنجان

★ ★ ★

## به یاد دکتر علی نقی زند

معمولاً خنده ای بر لب داشت و عشق به زندگی در نگاهش موج می زد. لهجه زیبایش بر گرمی کلامش می افزود. در کلاس معمولاً سعی داشت دانشجویان را به چالش کشیده آن ها را به بحث و تلاش برای به انجام رساندن قضیه و یا مسأله وادار کند. زمانی که من دانشجوی دکتری بودم، در برخی از کلاس ها پشت نیمکت و در کنار ما می نشست و از کلاس استفاده می کرد و این چنین کلاس هایی برای من لذت بخش بود.

یادش گرمی و روحش شاد

فرشته ملک

دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی

## باورکردنی نبود

ای باد اگر به گلشن آجباب بگذری زهار! عرضه ده به جانان پیام ما

خبر فوت دکتر زند برایم باورکردنی نبود، زیرا آخرین باری که ایشان را به طور اتفاقی در یکی از میدان‌های تهران، در تابستان ۹۱ دیدم، اثری از بیماری، در چهره ایشان دیده نمی‌شد. مثل همیشه با گشاده رویی پاسخ سلامم را داد و با لهجه خاص خودش احوال‌پرسی کرد: «چطوری، چه خبر؟» کمی درباره موضوعاتی که به ریاضیات و آموزش مفاهیم اساسی آن در دانشگاه‌ها مربوط می‌شد با هم صحبت کردیم. از لابلای جملاتش، نگاه بسیط ایشان به ریاضیات و عشق و علاقه به ریاضیات و آموزش آن به خوبی قابل مشاهده بود. بعد از خداحافظی، به محتوی صحبت‌هایش بیشتر فکر کردم و خاطرات درس‌هایی که با ایشان داشتم در ذهنم زنده شد. به یادم آمد آن‌چه درباره آن صحبت کرد، در عمل هم آن‌ها را به کار بسته بود. در واقع ایشان نقش مؤثری در به‌روزرسانی و متحول ساختن برنامه درسی رشته ریاضی در دانشگاه تهران و آماده ساختن این رشته برای توسعه در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری داشتند. با خودم گفتم حیف و صد حیف که از این پختگی، بینش گسترده و عملگرایی ریاضیات، که حاصل تعامل با کانون‌های پیشرو و فعال تحقیقات ریاضی بود، در جهت توسعه ریاضیات کشور به خوبی استفاده نشد و تعبیر و تفسیرهای خشک قوانین اداری، زمینه‌های استفاده عملی از این تجربیات را مسدود و حکم به بازنشستگی ایشان دادند.

به ترتیب، سه درس حلقه و مدول، جبر II در دوره کارشناسی و جبر پیشرفته در دوره ارشد را با ایشان گذرانده بودم. مرجع درس اول، کتاب حلقه و مدول پائولو ریبن باوم و مرجع درس دوم کتاب جبر هرشتاین بود. مرجع درس سوم هم کتاب مقدمه‌ای بر جبر جابه‌جایی از عطیه - مک‌دونالد بود. این کتاب‌ها و هم‌چنین مطالبی که از این سه درس فراگرفته‌ام، در مسیر مطالعات بعدی‌ام بسیار مفید افتاده است. برخی قضایا و مفاهیم این کتاب‌ها برایم خاطرات کلاس‌های ایشان را در ذهنم تداعی می‌کند. هر بار که به هر دلیلی به کتاب عطیه - مک‌دونالد مراجعه می‌کنم خاطرات آن کلاس‌ها و بحث و گفتگوی دانشجویان و ایشان درباره مطالب درس در ذهنم زنده می‌شود و بسیار ممنون و قدردان ایشان و دیگر استادانی می‌شوم که مطالب لازم برای درک و فهم مطالب پیشرفته را، آن هم از روی منابعی معتبر به من آموختند.

حسن حقیقی

دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی

★ ★ ★

## یادش گرامی و عزیز است

چند روزی به عروجهش باقی مانده بود. مدتی می‌شد که از او بی‌خبر بودم. دلم هوایش را کرد. به منزلش زنگ زد تا احوالش را بگیرم و اگر می‌شد به دیدنش بروم. دوردور خبر داشتم که گرفتار بیماری سختی است. فرزندش بهراد پاسخ داد و گفت حال پدر مناسب گفتگو یا دیدار نیست. نگران شدم و بغضم ترکید. دلم می‌خواست یک بار دیگر او را ببینم. در زندگی من او معلم بزرگی بود با صبوری‌های بزرگی. دو هفته بعد بهراد زنگ زد و گفت پدر رفت. در میان تعطیلات عید بود، به عده‌ای از شاگردان سابقش خبر دادم و غمگین رفتن و یک‌بار دیگر ندیدنش شدم. او در دوران جوانی‌ام و به خاطر سبک معلمی و رفتاری‌اش یکی از الگوهای من بود، کسی که به راحتی کلید اتاق کارش را در اختیارم می‌گذاشت و احترام دلگرم‌کننده‌ای را نصیبم می‌کرد در وقتی که من دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران بودم.

او مرجع پرحوصله‌ای برای خیلی از سؤال‌های بی‌پایان دوران دانشجویی‌ام بود. یادش گرامی و عزیز است. اکنون مدت‌هاست که ساختمان پیر گروه ریاضی دانشگاه تهران از عطر و بوی او و صدای خنده‌های نشاط برانگیزش خالی است.

شهریار فرهمندراد

سازمان مرکزی دانشگاه پیام‌نور

★ ★ ★

## شماره ویژه بولتن انجمن ریاضی ایران

به مناسبت هشتادمین سال زادروز استاد حیدر رجوی شماره ویژه‌ای در سال ۲۰۱۵ میلادی انتشار می‌یابد. علاقه‌مندان می‌توانند مقالات خود در زمینه «عملگرها و ماتریس‌ها» را از طریق سایت بولتن به نشانی [bims.ims.ir](http://bims.ims.ir) ارسال نمایند.

ادیتورهای این شماره ویژه بولتن، آقایان L. Marcoux, M. Omladic, P. Rosenthal, P. Semrl, B. Yahaghi خواهند بود.

بود.

رسیده‌اند، بسیار پایین است. انتشار مقالات با کیفیت نازل در رسیدن به سه هدف توسعه علمی کمی نمی‌کند و صرفاً منجر به اتلاف سرمایه و استعدادها خواهد شد.

در بُعد آموزش دانشگاهی نیز نظام‌های متعددی از جمله دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم، دانشگاه‌های دولتی وابسته به سایر نهادها و وزارت‌خانه‌ها، مانند دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه‌های آزاد اسلامی، پیام نور، فراگیر و غیرانتفاعی، در کشور وجود دارند، که هر کدام باید رسالت و جایگاه خود را داشته باشند و در مسیر مناسب خود حرکت کنند. خلط جایگاه و رسالت این دانشگاه‌ها به کیفیت آموزش و پژوهش در نظام دانشگاهی صدمه‌ی جدی وارد کرده و می‌کند. رسالت دانشگاه‌های برتر تربیت پژوهشگران نخبه برای رسیدن به سه هدف پیش‌گفته است. رسالت بعضی از دانشگاه‌ها صرفاً تربیت نیروهای باسواد به معنی عرفی است و دانشگاه‌های تخصصی تربیت کارشناسان موردنیاز سازمان‌های متنوع را بر عهده دارند. رسیدن به کیفیت مطلوب در آموزش، که البته لازمه‌ی ارتقاء در کیفیت پژوهش است، حمایت ویژه مالی از دانشگاه‌های برتر و خودداری آن‌ها از پذیرش دانشجوی پولی را طلب می‌کند و در عین حال اعطای استقلال داخلی به آن‌ها ضروری است.

در بحث کیفیت آموزش و پژوهش دانشگاهی دو نکته باید مورد توجه ویژه قرار گیرد: (۱) راه‌اندازی دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها باید با اعمال جدی و دقیق ضوابط موجود انجام پذیرد؛ هر چند که خود این ضوابط نیز به نوبه خود باید با مشورت با دانشگاهیان بازمینی و اصلاح شوند. (۲) اعضای هیأت علمی و در مرحله‌ی بعد دانشجویان تحصیلات تکمیلی، به‌ویژه دانشجویان دکتری، محور اصلی پیشبرد کارهای پژوهشی دانشگاه‌ها و پایش کیفیت آن هستند و لذا در جذب اعضای هیأت علمی و دانشجویان دکتری توجه به کیفیت و توانایی علمی افراد باید در اولویت اول قرار گیرد.

مگردیچ تومانیان

رئیس شاخه ریاضی فرهنگستان علوم

## آئین‌نامه انتخاب پژوهشگر جوان برجسته گروه علوم پایه فرهنگستان علوم

۱. شرایط اولیه پذیرش و بررسی پرونده نامزدها:

۱-۱ نحوه نامزد شدن از طریق اقدام مستقیم خود پژوهشگر

## بیانیه شاخه‌های فیزیک و ریاضی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران (اسفند ۱۳۹۲)

هشدارفت کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاه‌های کشور

تعداد دانشجویان و مقالات علمی در سال‌های اخیر رشد کمی چشم‌گیری داشته است. اکنون این سؤال در محافل علمی و دانشگاهی مطرح می‌شود که اندازه‌گیری توسعه و پیشرفت علمی صرفاً با این معیارهای کمی چه نسبتی دارد؟ یکی از وظایف اصلی فرهنگستان علوم تبیین جایگاه علم و فناوری کشور و رصد و پایش روند حرکت، تحول و پیشرفت آموزش و پژوهش کشور و هشدار در صورت مشاهده کاستی‌ها در این رابطه است.

علوم، به‌ویژه علوم پایه، مشتمل بر ریاضی و فیزیک، نیروی پیشران بسیاری از تحولات اجتماعی در سده‌های اخیر بوده‌اند. تأثیر اجتماعی علوم پایه در دو وجه نمود بیشتری داشته است: تأثیر بر دیدگاه و نحوه تحلیل و استدلال افراد جامعه و تولید فناوری‌های نو. این دو، نقشی اساسی در حرکت جوامع بشری به سوی جوامع مرفه و پیشرفته داشته‌اند. از این رو ملاک ارزیابی توسعه و پیشرفت علمی، تولید و استفاده از علم نافع است. علم نافع آن است که سه هدف اصلی توسعه علمی را، یعنی، رسیدن به مرزهای دانش، به‌کارگیری در ارتقای فناوری و تربیت نیروهای ماهر، تأمین کند. متأسفانه در سال‌های اخیر دیدگاه‌های کمی‌نگر به ارزیابی علمی - هم در آموزش و هم در پژوهش - غلبه و نمود چشم‌گیری داشته‌اند. اما نیل به سه هدف توسعه، بدون توجه به کیفیت آموزش و پژوهش و رعایت استانداردهای جهانی محقق نخواهد شد. دیدگاه مبتنی بر توسعه کمی و نادیده انگاشتن کیفیت صرفاً به انباشت نیروهایی ناتوان می‌انجامد که طبعاً نمی‌توانند در توسعه و پیشرفت کشور نقش مؤثری داشته باشند.

در دیدگاه کمی‌نگر برای ارزیابی پژوهش، پیشرفت علمی صرفاً بر اساس تعداد مقالاتی که در مجلات ISI یا ISC به چاپ رسیده‌اند سنجیده می‌شود. مطابق بررسی‌های علمی و دقیق انجام شده از طرف سازمان‌های معتبر جهانی پایش علوم، که بارها مورد استناد مسئولین کشور نیز قرار گرفته‌اند، ایران از این منظر و به لحاظ کمی در منطقه اول است. علاوه بر شاخص تعداد مقالات، معیارهای آماری سنجش کیفیت پژوهش نیز سال‌ها است که کمی شده‌اند و در همان بررسی‌های سازمان‌های معتبر نیز اندازه‌گیری و در انتشارات آن‌ها درج می‌شوند، که البته کمتر مورد اشاره مسئولین کشور قرار می‌گیرند. یکی از این معیارها ضریب استناد و ارجاع به مقالات است، که متأسفانه برای مقالاتی که از ایران به چاپ



## گزارش گردهمایی‌های برگزار شده

### ششمین کنفرانس نظریه گروه‌ها

ششمین کنفرانس نظریه گروه‌ها با اخذ مجوز در روزهای ۲۱ و ۲۲ اسفندماه ۹۲ با حضور ۱۳۰ نفر شرکت‌کننده ایرانی و خارجی در دانشکده علوم دانشگاه گلستان برگزار گردید. دبیری علمی کنفرانس را دکتر سیدمصطفی طاهری و دبیری اجرایی را دکتر علی پاکدامن به عهده داشتند. تعداد مقالات ارسال شده به کنفرانس بیش از ۱۱۰ مقاله بود که پس از داوری در نهایت به ۵۴ مقاله ارائه شفاهی ۱۵ دقیقه‌ای و ۲۰ مقاله جهت ارائه به صورت پوستر پذیرش داده شد.

در این کنفرانس شش سخنرانی عمومی به شرح زیر ارائه گردید:

- دکتر سعید کیوانفر دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد:

The Classification of Groups via Capability; A Reality to Dream.

- دکتر محمد شهریاری دانشیار دانشگاه تبریز:

Algebraically closed groups and embedding theorems.

- پروفیسور کار مینگ شام از دانشگاه هنگ کنگ:

On the cover-avoiding properties infinite groups.

- پروفیسور گولان ارجان از دانشگاه آنکارا:

Invariants of a finite group acted on by a Frobenius-like group.

- پروفیسور گل اوغلو از دانشگاه استانبول:

Representations of a Finite Group with an Extraspecial Normal Subgroup.

در عصر روز دوم کلیه شرکت‌کنندگان از آبشار زیبای کبودال دیدن نمودند و مراسم افتتاحیه به دعوت استانداری گلستان در هتل کانپار علی آباد کتول برگزار گردید. دفترچه راهنما و خلاصه مقالات، فایل کامل مقالات به صورت CD، کیف، لیوان مصور به آرم کنفرانس و وسایلی دیگر تقدیم شرکت‌کنندگان گردید.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از حامیان مالی و معنوی و کلیه مسئولین اجرایی دانشگاه گلستان و شهرستان گرگان تشکر ویژه نمایم.

محبوبه علیزاده صنعتی

دبیر ششمین کنفرانس نظریه گروه‌ها

جوان و یا با پیشنهاد یکی از استادان با سابقه کشور است.

۱ - ۲ حداکثر سن نامزد پژوهشگر جوان برجسته کشور باید ۴۰ سال بوده و دارای مدرک دکتری، ملیت ایرانی، شاخص در حوزه تخصصی خود و برخوردار از شهرت علمی و اخلاقی باشد.

۱ - ۳ سوابق تحصیلی پژوهشگر جوان از مقطع دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد تا دکتری از طرف شاخه مربوطه ارزیابی می‌شود.

۲. پژوهشگر جوان باید دارای دستاوردها و افتخارات علمی - خدماتی ارزنده شامل یک یا چند از موارد زیر باشد:

الف - دستاوردهای علمی:

الف - ۱ تألیف کتاب که توسط ناشرین معتبر ملی و بین‌المللی چاپ شده باشد.

الف - ۲ تألیف مقالاتی که با تأیید شاخه مربوطه در فرهنگستان علوم از ویژگی خاصی برخوردار باشد.

الف - ۳ نظریه‌پردازی در قالب تألیف مقالات علمی چاپ شده که به آن ارجاع شده باشد.

الف - ۴ راه‌اندازی آزمایشگاه تحقیقاتی در زمینه کاری خود، و انتشار مقالات از نتایج آن.

الف - ۵ راه‌اندازی آزمایشگاه‌های آموزشی و تألیف دستور کار آزمایشگاه.

ب - خدمات علمی نظیر مشارکت در راه‌اندازی مراکز و مؤسسات علمی - پژوهشی، کنفرانس‌ها، انجمن‌های علمی، نشریات علمی و ...

پ - افتخارات علمی نظیر نشان‌ها و جوایز.

ت - نوآوری، اختراعات و اکتشافات.

ت - ۱ اختراع و اکتشاف ثبت شده در مراجع بین‌المللی یا تجاری شده.

ت - ۲ نگارش استانداردهائی که به تأیید مراجع ذیصلاح رسیده باشد.

تبصره: هر شاخه در موارد ذکر شده امتیازات مربوطه را تعیین خواهد کرد.

مگردیچ تومانیان

رئیس شاخه ریاضی فرهنگستان علوم